



دلار پول پناه است...

دلار پول پناه است، یعنی پولی است که پول های ضعیف ملی به آن تبدیل می شوند و پناهگاهی است برای پول ضعیف ملی که در معرض هجوم است. این امری است که در تاریخ اقتصاد 40 ساله ایران پس از انقلاب نیز به چشم می خورد. بیشترین علت تورم در دوره پس از انقلاب تغییرات نرخ در بازار پنهان یا آشکار بوده است. تغییرات نرخ ارز در مقایسه با نقدینگی نشان می دهد، افزایش نرخ ارز با سرعت یا بلافاصله روی قیمت کالاهای وارداتی، صادراتی، ضروری و دستمزد و حقوق اثر گذاشته است. در قدم بعد این تاثیر در افزایش قیمت ها، سپس سرعت گردش پول و در آخر نیز افزایش حجم در گردش پول نمایان شده است.

ایران بزرگترین تولید کننده پسته، زعفران، خاویار هشتمین تولید کننده میوه، نهمین تولید کننده سیمان در دنیا است که اینها فقط چند مثال بود جهت خاطر نشان برای مخاطب که اگر بخواهیم همه این رتبه ها را یاد آور شویم قطعاً از حوصله این متن خارج خواهد بود. با وجود این رتبه ها آمار رسمی مرکز آمار نرخ رشد تولید ناخالص را در سال ۹۸ منفی ۷ درصد اعلام نمود و خوش بینانه ترین نرخ رشد برای سال ۹۹ که توسط بانک جهانی اعلام شده است. ۰٪ می باشد که البته آمارهایی تا منفی ۹ و نیم درصد توسط برخی سازمان های معتبر اعلام شده است.

تولید

نجات کشور با گسترش صادرات محصولات کشاورزی

سازمان های متولی تجارت در کشور واردات را در اولویت امور تجاری کشور می بینند و برای صادرات اهمیت زیادی قائل نمی شوند شاید بتوان گفت دلیل این اهمیت در آمد زایی بیشتر واردات برای این سازمان ها می باشد و به دلیل معافیت های پرداختی که برای صادرات وجود دارد صادرات در درجه دوم اهمیت می باشد به همین دلیل صادرکنندگان به طور مستمر از نبود زیرساخت های لازم در سازمان های مختلف از وزارت صمت، گمرک، سازمان بنادر و دریانوردی و... گله مند بوده اند. در موارد متعددی دیده شده است که محموله های صادراتی محصولات کشاورزی به علت سرعت پایین انجام امور گمرکی و سریع الفساد بودن این اقلام دچار کاهش کیفیت گردیده و دیگر قابل صادرات نبوده است.

نجات کشور با گسترش صادرات محصولات کشاورزی

رشد اقتصادی در گرو تصمیمات اساسی

مرتیض شریف‌عسگر

یکی دیگر از مشکلات صنعت کشاورزی در ایران کمبود مشوق‌های قانونی برای کاهش ریسک و حمایت از تولید تأثیرپذیری بخش کشاورزی از عوامل جغرافیایی، اقلیمی و جوی کنترل‌ناپذیر بوده است که ریسک تولید در این بخش را بالا برده است. این معضل، همواره تهدیدی جدی برای فعالیت در بخش کشاورزی بوده و سرمایه‌گذاری در این بخش را پرمخاطره و عرضه کالا را برای مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی پرنوسان کرده است. وجود خلأهای قانونی در زمینه کاهش ریسک و کمک به افزایش تولید در بخش کشاورزی یا تفسیرها و اعمال سلیقه‌ای قوانین، موجب شده است سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان رغبت کمتری برای ورود به بخش کشاورزی داشته باشند. در این زمینه دولت باید از طریق سیاست‌های حمایتی، نظیر اعطای تسهیلات با سود بانکی اندک، تقویت نظام بیمه‌ای، تقویت بازار و کاهش حاشیه بازاریابی، مخاطرات طبیعی و اقتصادی موجود در این بخش را مدیریت کند. همچنین دولت باید با سرمایه‌گذاری در حوزه روستایی و کشاورزی، زیرساخت‌های لازم برای خلق ارزش در این بخش را ایجاد کند.

یکی از چالش‌های اساسی در بخش کشاورزی این است که اساساً تولید محصولات کشاورزی در کشور ما صادرات محور و بر اساس تکمیل زنجیره تولید نیست. در شرایطی که تولید محصولات کشاورزی تجاری نبوده و همچنان معیشت محور باشد، طبیعتاً کشاورز ما به نیت صادرات، تولید نمی‌کند و استاندارد نیز رعایت نمی‌شود. با افزایش تحریم‌ها در سال‌های گذشته و کاهش واردات تجهیزات صنعتی مدرن و همچنین سموم و بذرها با کیفیت به کشور کیفیت محصولات روز به روز کاهش پیدا کرده است و طبیعی است که صادرات این محصولات هم با مشکل مواجه شود و هدررفت آن بالا باشد و به دنبال آن روز به روز از تعداد اقلام صادراتی کاسته شود. برای مثال در سال ۲۰۱۴ و با شروع تحریم روسیه توسط اروپا بازار محصولات کشاورزی این کشور برای کشور ما بسیار جذاب گردید ولی پس دوره‌ی کوتاهی این بازار از سمت ایران به سمت کشورهای دیگر تغییر مسیر داد و یکی از دلایل عمده‌ی این تغییر مسیر کیفیت پایین محصولات ایرانی بود که باعث شد محصولات با کیفیت ترکیه‌ای جایگزین کالای ایرانی شود و این یعنی از دست رفت سالانه ۱.۵ میلیارد دلار!!!!



از مهمترین عوامل آشفتنگی صادرات محصولات کشاورزی عدم ثبات قوانین در کشور می‌باشد. وقتی کشاورزی شب می‌خوابد و صبح مشاهده می‌کند محصولی که برنامه ریزی صادرات برای آن داشته است ممنوع الصادرات گردیده دیگر انگیزه‌ای برای صادرات در فصول دیگر پیدا نمی‌کند و محصولات خود را با عرضه در بازار داخلی هماهنگ می‌کند. در همین زمینه می‌توان گفت که کشورهای واردکننده هم عاشق چشم و ابروی ما نیستند که با بازار بی برنامه ما خود را وفق دهند. تصمیمات خلق الساعه مدیران تجارت کشور باعث از دست رفتن بسیاری از بازارهای هدف گردیده که با زحمت فراوان توسط تجار فراهم شده بودند.

در سال‌های اخیر بحث توسعه و صادرات غیر نفتی به دلیل رکود بازارهای نفتی و آثار سوئی که صادرات تک محصولی بر اقتصاد کشور تحمیل کرده است به شدت مورد توجه واقع شده است. با وجود سهم تقریباً ۱۲ درصدی بخش کشاورزی از کل تولید ناخالص داخلی کشور، لکن سهم ناچیزی از سرمایه‌گذاری در کشور به این بخش تخصیص یافته است. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در دوره ۱۳۹۳ - ۱۳۷۰ هیچگاه سهم بخش کشاورزی از موجودی سرمایه کل و از سرمایه‌گذاری ناخالص کل، در بین ۳ بخش اقتصادی کشور، به ترتیب از ۴ و ۶/۴ درصد فراتر نرفته است. با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی کشور مربوط به محصولات کشاورزی و صنایع و خدمات وابسته به آن است، این بخش، موتور محرکه برای رشد سایر بخش‌های تولیدی در کشور به شمار می‌رود. صادرات کالاهای غیرنفتی که به طور کلی به دو بخش صادرات محصولات سنتی و محصولات صنعتی تقسیم می‌شوند. این مسئله از آن جهت دارای اهمیت است که بخش عمده صادرات کالاهای صنعتی مستلزم سرمایه‌گذاری فراوان و تشکیل سرمایه است و بازاریابی آن پیچیدگی‌ها و شرایط خاص خود همراه است. در مقابل اما صادرات کالاهای سنتی، به محصولاتی اطلاق می‌شوند که تولید آنها به شیوه کارخانه‌ای نیست و یا به تشکیل سرمایه فراوان نیاز ندارند. اینها شامل محصولات و کالاهای کشاورزی و دامی نظیر انواع میوه جات، حیوانات زنده و فرآورده‌های آنها، محصولات و مواد معدنی نظیر انواع کانی‌های فلزی و غیرفلزی، سنگ‌های گرانها و ... و محصولات صنایع دستی و خانگی می‌شوند. ولی با وجود اهمیت گروه کالایی محصولات کشاورزی صادرات این محصولات به کشورهای دیگر سهم کمی از کل صادرات کشور را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۱۸ صادرات محصولات کشاورزی ایران طبق اطلاعات سایت trademap معادل حدود ۱.۶ میلیارد دلار بوده است ولی در همین بازه زمانی کشور ترکیه حدود ۴ میلیارد دلار صادرات محصولات کشاورزی داشته است که با مقایسه این دو عدد به عقب ماندگی شدید کشورمان از بازار محصولات کشاورزی دنیا پی می‌بریم نکته جالب اینجاست که کشور ترکیه از کشور ما واردات محصولات کشاورزی دارد و بیشترین محصول در این گروه کالایی را میوه‌هایی با قیمت پایین از جمله هندوانه تشکیل می‌دهد برای تولید هر کیلو هندوانه بیش از ۲۸۰ لیتر آب مورد نیاز است و عملاً می‌توان گفت ترکیه با قیمتی بسیار پایین و در حدود ۰.۱ دلار از ایران واردات آب انجام می‌دهد و محصولات با مزیت بیشتر را به کشورهای همچون عراق، روسیه و ... صادر میکند. از ۴ میلیارد دلار بازار محصولات کشاورزی کشورهای همسایه ایران، کشورمان فقط ۵۰۰ میلیون از این بازار را در اختیار دارد و می‌تواند تا ۱.۵ میلیارد دلار صادرات به کشورهای همسایه را افزایش دهد.

مشکلاتی که پیش‌راه صادرات محصولات کشاورزی می‌باشند بسیار زیاد می‌باشد که از جمله آن‌ها نبود زیرساخت‌های لازم در گمرکات، تغییرات ناگهانی قوانین تجارت کشور، کیفیت پایین محصولات کشاورزی، قوانین ارزی صادرات و ... می‌باشد.

تولید

نگاهی به آنچه می‌توانست اتفاق بیافتد...

رضاحسین پور

ایران بزرگترین تولید کننده پسته، زعفران، خاویار هشتمین تولید کننده میوه، نهمین تولیدکننده سیمان در دنیا است که اینها فقط چند مثال بود جهت خاطرنشان برای مخاطب که اگر بخواهیم همه این رتبه‌ها را یادآور شویم قطعاً از حوصله این متن خارج خواهد بود. با وجود این رتبه‌ها آمار رسمی مرکز آمار نرخ رشد تولید ناخالص را در سال ۹۸ منفی ۷ درصد اعلام نمود و خوش بینانه‌ترین نرخ رشد برای سال ۹۹ که توسط بانک جهانی اعلام شده است ۰٪ می‌باشد که البته آمارهایی تا منفی ۹ و نیم درصد توسط برخی سازمان‌های معتبر اعلام شده است.

در این یادداشت قصد داریم ابتدا کمی بیشتر به تشریح فرصت‌ها و ظرفیت‌های بی‌بدیل موجود در کشور عزیزمان برای تولید پیردازیم و سپس سعی در واکاوی مختصری در دلایل عدم توفیق در تولید به خصوص در سال‌های اخیر در ایران داشته باشیم.

در کشوری زندگی می‌کنیم که برآوردها نشان می‌دهد حدود ۷۰۰ میلیارد دلار ظرفیت‌های بالقوه معدنی در آن وجود دارد ۱۴۲ میلیون هکتار زمین حاصلخیز و مناسب برای کشاورزی در اختیار ما می‌باشد. از نظر بازار فروش در قلب منطقه‌ای با حدود سیصد میلیون جمعیت و بستر بسیار مناسب برای ارسال تولیدات به کشورهای همسایه و اروپا از طریق آبهای آزاد موجود می‌باشد که همه اینها در کنار نیروی جوان و تحصیل کرده موجود در کشور این امید را در دل ما زنده می‌کند که ما قطعاً می‌توانیم به قطب تولید در منطقه تبدیل شویم اما برای رسیدن به این هدف امروز موانعی بر سر راه وجود دارد.

اولین و بزرگترین مانع برای رسیدن به توان تولید بالا در کشور عدم سیاستگذاری درست بر این امر می‌باشد. مسائل مهم در سیاست گذاری تولید که می‌توان از آنها نام برد: توجه به نیازهای بالادستی کشور در عرصه تولید- امکان بروز و توسعه واحدهای کوچک و مینیاتوری- ایجاد ظرفیت برای هم افزایی واحدهای صنعتی کوچک و بزرگ- تکمیل زنجیره تولید و فراهم سازی زیرساخت‌های لازم برای آن و چندین مورد دیگر از این قبیل که البته این موارد صرفاً یادآوری تیتروار از برخی نیازهای لازم در عرصه سیاست گذاری برای بهبود وضعیت تولید در کشور می‌باشند شرح تفصیلی هر کدام از این موارد در فرصت‌های آتی به مخاطب تقدیم خواهد شد.

دومین مسئله برای بهبود فضای تولید در کشور عدم توجه پذیری گسیل سرمایه‌های بزرگ و کوچک به سوی بازار تولید در برابر دیگر بازارهای موازی موجود می‌باشد. امروزه ما در کشورمان شاهد نقدینگی بسیار بالایی هستیم که به شکل افسار گسیخته‌ای از بازاری به بازار دیگر جاری میشود و وضعیت این بسترهای ورودی را کاملاً دگرگون می‌سازد اما منطق این سرمایه صرفاً به منطق سوددهی بیشتر تبدیل شده و به همین جهت به سوی بستر تولید جاری نمیشوند. برای جلوگیری از این گسیل‌های بی‌رویه سرمایه لازم است دو اتفاق روی دهد.



اول اینکه بازارهای موازی که با جاری شدن سرمایه به آن‌ها شروع به سوددهی سرسام‌آور و کاذب می‌کنند کنترل شوند و با ابزارهای مثل مالیات و کاهش حمایت‌های دولتی در سطح کلان از امنیت این بازارها کاسته شود. از سوی دیگر باید با حمایت‌های تضمینی بازار تولید، امنیت لازم برای این سرمایه‌گذاری در این بازار را بالا برد. همچنین یکی از راه‌های گسیل سرمایه بازار تولید امکان سرمایه‌گذاری شرکت‌های کوچک به بخش‌های مختلف با سرمایه‌های کم می‌باشد که تجمیع سرمایه‌های خرد می‌توانند در تعداد زیاد سهم بسزایی از این بازار را پوشش دهند. در ایران برای این واحدهای کوچک تولیدی امکان بروز و ظهور در عرصه‌های تولیدی بسیار زیادی موجود می‌باشد به عنوان مثال تجربه موفق‌هایی که در برخی کشورها مثل چین، استرالیا و کانادا به وجود آمده است تجربه حمایت از معادن مینیاتوری می‌باشد حمایت و گسترش معادن بسیار کوچک یا به اصطلاح معادن خانوادگی ظرفیتی است که علی‌رغم وجود منابع بسیار غنی و بسترهای مناسب در کشور ما توجه بسیار کمی به آن شده است در حالی که تجربه کشورهایی مثل چین به ما اثبات می‌کند که استفاده از ظرفیت واحدهای کوچک در عرصه معدنکاری قطعاً رشد تولیدی قابل ملاحظه‌ای را در محصولات معدنی به همراه خواهد داشت. اما نکته‌ای که وجود دارد برای جاری شدن سرمایه‌های کوچک در بازار تولید و در مرحله بعد سود ده بودن این واحدها نیاز است به شکل گسترده در سطح حاکمیت اقداماتی رخ دهد تا شاهد شکست در این واحدها نباشیم. اقدامات لازم برای این امر را اگر بخواهیم صرفاً به شکل تیتروار یادآور شویم

می‌توان نام برد از: آموزش گسترده برای صنایع مورد استفاده در واحدهای کوچک و خانگی- حمایت‌های بیمه‌ای از این واحدها- تکمیل زنجیره تامین و فروش مواد اولیه و محصولات این واحدها و چندین اقدام دیگر از این قبیل اقدامات می‌تواند امنیت و سوددهی سرمایه‌گذاری در این واحدها را تضمین نماید.

یکی دیگر از موانع جدی که در عرصه تولید در کشور ما وجود دارد سختی و مشکلات در راه اندازی واحدهای تولیدی و رویه‌های بسیار پیچیده و دست و پا گیر برای یک تولید کننده می‌باشد. امروز شاهد این هستیم که ایران رتبه ۱۲۷ از ۱۹۰ کشور را در شاخص راحتی راه اندازی کسب و کار را دارد که این یعنی مجموعه پیچیده و گسترده از موانع بر سر راه تولید کننده برای راه اندازی واحدهای تولیدی چه در مقیاس‌های بزرگ و چه در مقیاس‌های کوچک می‌باشد از یک سو شاهد گرانی و عدم ثبات در کالاهای سرمایه‌ای مثل زمین، ماشین‌آلات تولیدی که دچار گرانی‌های بسیار شدیدی می‌شوند هستیم و از سوی دیگر بالا رفتن هزینه‌های جاری مثل حقوق کارگران و گرانی مواد اولیه تولیدی می‌باشیم که اینها به خودی خود سختی‌های بسیار زیادی را برای واحدهای تولیدی ایجاد می‌کنند و این در حالی است که تولید کننده در صورت وجود همه این لوازم ابتدایی نمی‌تواند هیچ اطمینانی از فروش کالای تولیدی خود در بازار داشته باشد همه این سختی‌های موجود برای شروع به کار یک واحد تولیدی گذراندن هفت خان مجوزگیری‌ها را.. موارد ذکر شده در این یادداشت به عنوان ظرفیت‌ها و موانع موجود برای امر خطیر تولید صرفاً خاطرنشان مختصری از چندی است مسائل موجود در این عرصه می‌باشد که حقا همتی راسخ از مسئولین کشور می‌طلبد که سعی در رفع و تقلیل موانع موجود دهند و امکان استفاده از منابع را به حداکثر ممکن نزدیک نمایند.

دلار پول پناه است...

بررسی سیاست‌های ارزی تجاری در ایران در دهه ۶۰ و ۷۰

خسرو جاننبرگی

صادرات غیرنفتی همواره یکی از موضوعات بااهمیت اقتصادی در کشورهای دارای نفت می‌باشد. از این رو اتخاذ سیاست‌هایی جهت تنوع بخشی و گسترش صادرات غیرنفتی با از میان برداشتن موانع و ارانه راهکارهای مناسب در این خصوص در همه کشورهای دارای این ویژگی ضرورتی اجتناب ناپذیر است. شاید بتوان گفت یکی از مهمترین مشخصه‌های اقتصاد ایران وابستگی شدید به درآمدهای نفتی است که البته به لطف تحریم‌های اخیر، این وابستگی به طوری چشمگیری کاهش یافته و دولت را بر آن داشته تا راه‌های درآمدی جایگزین نفت را به ناچار انتخاب کند. با این وجود طبیعی است که نرخ ارز متغیری است که چگونگی سیاستگذاری در زمینه آن، متغیرهای کلان اقتصادی بویژه رشد صادرات غیرنفتی را متأثر می‌سازد فلذا سیاست‌های ارزی همواره جایگاه مهمی داشته‌اند. از این رو بررسی سیاست‌های ارزی در ایران و تاثیر آن بر اقتصاد کشور امری مفید خواهد بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی کنونی نظیر پیمان سپاری ارزی و سیاست ارز ترجیحی در گذشته نیز مسبوق به سابقه بوده است.

تا سال ۱۹۷۱ تبدیل پول‌ها بر اساس مقررات "برتون وودز" انجام می‌شد و یک نظام ثابت ارزی پول‌های جهان را به هم مرتبط می‌ساخت. واحد پول هر کشور دقیقاً به وزن معینی از طلا به نحوی تعریف می‌شد که پول‌ها بتوانند بایکدیگر مقایسه شوند. تا زمانی که دلار کمیاب بود و ذخایر طلای آمریکا دست نخورده بود، کسری تراز پرداخت‌های آمریکا لطمه‌ای به حیثیت پول آمریکا وارد نمی‌کرد ولی چون مقدار قرض بالا گرفت و اعتماد از بین رفت، دلار مورد حمله قرار گرفت. مقامات آمریکایی که متوجه آشفتگی وضع دلار شدند در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۷۱ با شیخون نیکسون یک طرفه قابلیت تبدیل دلار به طلا را تعلیق کردند و این چنین بود که فاتحه نظام پولی برتون وودز خوانده شد.

در سال‌های پیش از انقلاب در ایران دلار در بازار آزاد ثابت و با نرخ ۷۰ ریال معامله می‌شد. پس از انقلاب ارزهای خارجی نسبت به ریال ترقی کرد و تا سال ۶۷ غیر از دو نرخ رسمی دلار ۷۰ ریالی و آزاد ۱۱۰۰ ریالی، بیش از ده نرخ دیگر به نام‌های نرخ ارز ترجیحی برای واردات، نرخ ارز صادرات غیرتجارتی، نرخ صادرات تهاتری، نرخ‌های مختلف خدماتی و غیره وجود داشت که استفاده از هر یک از آن‌ها تابع شرایط خاص خود بود. حتی در این سال‌ها دولت اقدام به تعیین قیمت صادراتی توسط مرکز توسعه صادرات به منظور حصول اطمینان از بازگرداندن ارز حاصل از صادرات و جلوگیری از خروج غیرقانونی ارز می‌کرده است. همچنین به دلیل جنگ تحمیلی و نیاز شدید ایران به ارز، سیاست پیمان سپاری ارزی در بخش صادرات غیرنفتی اعمال شد. در راستای نیاز دولت به ارز در سال ۶۲ اقدامات تشویقی جدیدی اعمال شد. از جمله اینکه از خرداد سال ۶۲ مقرر گردید صادرکنندگانی که در بانک‌ها دارای حساب ارزی هستند، در صورتی که پیمان‌نامه ارزی واریز شده در بانک نداشته باشند، مجاز خواهند بود که موجودی ارزی حساب خود را در بانک فروخته و اعلامیه خرید ارز را قبل از صادرات، جهت صدور کالای مجاز دریافت نمایند. در نتیجه این سیاست صادرات غیرنفتی برخلاف روند نزولی سال گذشته، در سال ۶۲ حدود ۲۵ درصد افزایش پیدا کرد. تداوم سیاست‌های تشویقی از جانب دولت من جمله معافیت برخی کالاهای صادراتی از سپردن تمام یا بخشی از پیمان ارزی و اعطای تخفیف‌های ارزی به صادرکنندگان، عملاً موجبات افزایش صادرات را طی این سال‌ها فراهم کرد. به طوری که صادرات غیرنفتی در مقایسه با صادرات آن در سال ۶۴ از نظر وزنی ۴۲ درصد و از لحاظ ارزش ۹۶ درصد افزایش یافت.

ادامه این سیاست پس از جنگ تحمیلی عملاً به دلیل نتایج نامطلوبی که برجای گذاشته بود امکان پذیر نبود چراکه بسیاری از افراد با خرید ارز به قیمت دولتی و گرفتن موافقت‌های اصولی ثروت‌های کلانی به دست آورده بودند. دکتر نوربخش وزیر وقت دارایی در مجلس در دفاع از لایحه متمم بودجه ۶۹ می‌گوید: ((وقتی دلار ۷۰ ریالی را در اختیار کارخانه‌ها قرار می‌دهیم، هر روز در روزنامه می‌خواندیم که چه تعداد از تولیدکنندگان را تعزیرات حکومتی به جرم اینکه موادی را که به قیمت دولتی در اختیارشان قرار گرفته است در بازار آزاد می‌فروخته‌اند؛ محاکمه کرده است.

با روی کار آمدن دولت هاشمی در سال ۶۸ و همزمان با شروع برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸) شیوه دخالت اقتصادی دولت در اقتصاد تغییر کرد. بر همین اساس قرار شد، تعداد نرخ‌های ارز کاسته شود و تجارت خارجی آزاد گردد و سیاست‌های تعدیل اقتصادی من جمله واردات بدون انتقال ارز اتخاذ شد. در همین راستا خرید و فروش ارز آزاد شد و بانک‌ها تا ۵ هزار دلار بدون شناسنامه ارز می‌فروختند. طرح ارز ترجیحی رقابتی جهت واردات مواد اولیه و قطعات یدکی و همچنین افزایش تعداد کالاهای مشمول فهرست واردات در مقابل صادرات اعمال گردید. در سال ۷۰ صادرات غیرنفتی هم از لحاظ وزنی و هم ارزش نسبت به سال قبل از رشد بالایی برخوردار بوده و ارزش صادرات آن تقریباً ۲ برابر بیشتر از صادرات سال قبل می‌باشد. در این سال معافیت اقلام صادراتی از سپردن پیمان ارزی و ایجاد تسهیل در امر صدور جزو دلایل اصلی رشد صادرات بوده است.

در اواخر سال ۷۲ شایع شد که ایران نمی‌تواند بدهی‌های خارجی خود را بپردازد و نزدیک به ۴۰ میلیارد دلار بدهی خارجی به بار آورده است. این امر موجب بروز یک بحران ارزی در کشور شد. قیمت سکه و دلار در مسیر صعودی قرار گرفت و سیاست تک‌نرخ تعدیل با خطر شکست مواجه شد. بعد از این اتفاق مقرر گشت در مرحله اول برچسب قیمت‌ها نصب شود و در مرحله بعد طرح نظام دهی توزیع اجرایی شود. اما از آنجایی که قیمت طلا، دلار و کالاها بی‌مبها رشد می‌کرد تولید برای مبارزه با تورم موجود تصمیم گرفت برای برخی از کالاها اساسی قیمت گذاری کند، عرضه ضروری در برخی از میادین اصلی و تعاونی‌ها را افزایش دهد و همچنین کمیته‌ای جهت نظارت بر قیمت‌ها و تنظیم بازار تشکیل دهد. گرچه اجرای این سیاست موجب جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها گشت، اما قیمت دلار و ارز گسکان افزایشی بود بطوری که قیمت سکه که تا آن موقع در کانال ۱۴ هزار تومان به ناکهان در اردیبهشت ۷۴ به ۷۰ هزار تومان رسید و دلار از ۷۰۰ تومان گذشت و به نزدیکی ۱۰۰۰ تومان رسید. در همین راستا دولت سیاست "تثبیت ارز" را در پیش گرفت و هرگونه معاملات خارج از سیستم بانکی را غیرقانونی اعلام کرد. در نتیجه اجرای این سیاست ۵۰۰ هزار پرونده مرتبط با این موضوع در سازمان تعزیرات حکومتی به جریان افتاد. همچنین ارزش صادرات غیرنفتی به دنبال برقراری سیاست پیمان سپاری ارزی که تا پیش از این معادل ۵۰ درصد بود و به ۱۰۰ درصد رسید؛ کاهش یافت.

به طور کلی سیاست‌های محدودکننده ارزی که از ابتدا سال ۷۴ به مورد اجرا گذاشته شد از قبیل اخذ پیمان سپاری ارزی و الزام صادرکنندگان به برگرداندن ارز حاصل از صادرات به سیستم بانکی و همچنین تثبیت نرخ خرید ارز صادراتی به قیمت ۳۰۰ تومان به ازای هر دلار، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش ارزش صادرات غیرنفتی داشته است. با شروع اجرای برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) سیاست تثبیت نرخ ارز همچنان دنبال شد ولی به دنبال کاهش درآمد‌های ارزی در سال ۷۷ که ناشی از کاهش شدید قیمت نفت و سررسید تعهدات ارزی در نتیجه اعمال کنترل‌های ارزی بود، باعث شد نرخ ارز بازار آزاد همچنان سیر صعودی در خود بگیرد. در سال ۷۷ به منظور کاهش وابستگی اقتصاد به دلار، استفاده از یورو در مبادلات خارجی، ایجاد تعهد، افتتاح حساب‌های ارزی و همچنین صدور ضمانت‌نامه‌ها مجاز گردید. از ابتدای سال ۷۹ همزمان با شروع برنامه سوم توسعه نرخ ارز صادراتی از سیستم تخصیص ارز حذف و گواهی سپرده ارزی جایگزین واریزنامه ارزی گردید. با بهبود درآمد‌های ارزی کشور طی این سال‌ها که عمدتاً ناشی از افزایش قیمت نفت و درآمد‌های صادراتی بود، نرخ ارز در بازار آزاد تا سال ۸۰ کاهش یافت.

هم‌اکنون نیز بعد از گذشت ۴۰ سال از انقلاب، سیاست‌های اتخاذ شده کنونی در خصوص ارز بدون تغییر؛ تکرار سیاست‌های دهه ۶۰ و ۷۰ است و فقط بستر آن از کاغذ به سامانه تبدیل گشته است. این درحالی است که انتظار می‌رود در شرایط کنونی تمامی جوانب اجرای یک تصمیم در نظر گرفته شود علی‌الخصوص در شرایط فعلی که جنگ نظامی جای خود را به جنگ اقتصادی داده است. عدم توجه مسئولین به تأثیرات ناشی از اجرای این سیاست‌ها موجب افزایش فشار اقتصادی بر مردم شده است. امری که در تاریخ اقتصاد ۴۰ ساله ایران پس از انقلاب نیز به چشم می‌خورد. بیشترین علت تورم در دوره پس از انقلاب تغییرات نرخ در بازار پنهان یا آشکار بوده است. تغییرات نرخ ارز در مقایسه با نقدینگی نشان می‌دهد، افزایش نرخ ارز با سرعت یا بلافاصله روی قیمت کالاهای وارداتی، صادراتی، ضروری و دستمزد و حقوق اثر گذاشته است. در قدم بعد این تأثیر در افزایش قیمت‌ها، سپس سرعت گردش پول و در آخر نیز افزایش حجم در گردش پول نمایان شده است. باید در نظر گرفت که افزایش مزمن شاخص قیمت‌ها، موجب بروز بی‌اعتمادی از جانب مردم نسبت به آینده پول می‌شود و مردم برای جلوگیری از کاهش ارزش پول خود، کالاهای بیشتری خرید می‌کنند و بسیاری از کالاهای مصرفی حکم کالای سرمایه‌ای پیدا می‌کنند. در این شرایط آن فرد که واقعا زحمت می‌کشد و کار می‌کند، درآمد و آغوش به طور محسوس کم می‌شود. همچنین به لحاظ روانی واکنش‌ها محرک روانی ترقی ارز را دنبال می‌کند و کردارهای عمومی جامعه چه از طرف بخش خصوصی و چه بخش عمومی به استقبال از تورم خواهند رفت. در واقع مردم در این شرایط نسبت به تورم حساسیت پیدا می‌کنند و با افزایش نرخ ارز کالای خود را افزایش می‌دهند.

در نهایت می‌توان گفت دلار پول پناه است. یعنی پولی است که پول‌های ضعیف ملی به آن تبدیل می‌شوند و پناهگاهی است برای پول ضعیف ملی که در معرض هجوم است. پس باید توجه داشت هر سیاستی که در این زمینه اتخاذ می‌شود با رعایت همه جوانب و ابعاد باشد چراکه تأثیرات توری آن به شدت پیچیده و غیرقابل کنترل است.